

Studying the Influence of the Academic Teachings of Counseling Students and Graduates on Their Perspectives about Marriage and Marital Relationships: A Qualitative Study

Nafise Soufy¹, Yaser Madani², Somaye Shahmoradi³

1. Master of Family Counseling, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Corresponding Author. Assistant Professor. Faculty of Psychology & Education. University of Tehran. Iran – Email: Yaser.Madani@ut.ac.ir
3. Assistant Professor. Faculty of Psychology & Education. University of Tehran. Iran.

ABSTRACT

Received: 30/06/1399 - Accepted: 05/03/1400

Aim: The present study was conducted to study the lived experiences of graduate students in the field of counseling and to examine the influence of their education process on their views on marriage and marital relationships. **Methods:** The method of this research was qualitative and phenomenological in type. Participants in this study were 16 graduate students, selected through purposeful sampling. Data collection was done through semi-structured interviews. **Findings:** In the dimension of positive experiences, 4 main themes were obtained that included raising awareness, growing awareness of personal abilities, improving interpersonal communication skills, and experiences around marriage. Finally, the following themes of the main categories are understood: self-awareness, increasing awareness of other people's personality traits, growing self-confidence, feeling beneficial, improvement of family and social relationships, achieving a systemic view in the family, increasing empathy, control emotions, changes in attitudes toward premarital acquaintance and emphasis on premarital counseling, new attitudes about marriage, importance of awareness about premarital counseling, and changes in gender stereotypes (in male participants). In the dimension of negative experiences, the main themes included experiences related to the phenomenon of marriage and negative effects on relationships. The following themes were extracted: decreased emotional excitement about the partner, increased sensitivity and obsession in relationships, change in attitudes toward men (on the part of female participants), creating a sense misunderstanding in family and social relationships due to differences in the level of knowledge, and existence of some level of irrational expectations from graduates in this field. **Conclusion:** According to the findings, the lived experience of participants showed that studying counseling can influence the personal life and perspective about marriage and marital relationships from different aspects.

Keywords: College students, counseling degree, lived experience, perspective, marriage, marital relationships



فصلنامه علمی پژوهشهای مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۰، شماره ۷۸، تابستان ۱۴۰۰
مقاله پژوهشی

e-issn:4018-2717

p-issn:400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v20i78.6790

مطالعه تجربه زیسته دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته مشاوره و تغییرات نگرش آنها نسبت به ازدواج و روابط زناشویی: یک پژوهش کیفی

نقیسه صوفی^۱، یاسر مدنی^۲، سمیه شاهمرادی^۳

۱- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲- (نویسنده مسئول)، عضو هیئت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران yaser.madani@ut.ac.ir

۳- عضو هیئت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران

(صفحات ۲۴۳-۲۴۶)

چکیده

هدف: پژوهش حاضر، با هدف مطالعه تجربه زیسته دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته مشاوره و بررسی ردپای آموخته‌های درسی بر دیدگاه آنان پیرامون ازدواج انجام شد. **روش:** این پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی بود. مشارکت‌کنندگان ۱۶ نفر از دانشجویان و دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی رشته‌ی مشاوره بودند که به روش هدفمند انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. **یافته‌ها:** در بعد تجربیات مثبت ۴ مضمون اصلی به دست آمد. افزایش آگاهی، رشد آگاهی نسبت به توانمندی‌های شخصی، بهبود مهارت‌های ارتباطی بین فردی و تجربیات پیرامون امر ازدواج. در نهایت زیرمضمون‌های درک شده از مضمون‌های اصلی به این صورت آمده است: خودآگاهی، افزایش آگاهی نسبت به ویژگی‌های شخصیت دیگران، رشد اعتمادبه‌نفس، احساس مفید بودن، روابط خانوادگی و اجتماعی، دستیابی به دیدگاه سیستمی در خانواده، افزایش همدلی، کنترل هیجانات، تغییر در نگرش به آشنایی قبل از ازدواج و تأکید بر مشاوره پیش از ازدواج، نگرش متفاوت به ازدواج نسبت به گذشته، آگاه شدن به جایگاه مشاور و اهمیت مشاوره پیش از ازدواج، تغییر در کلیشه‌های جنسیتی (در شرکت‌کنندگان مرد). در بعد تجربیات منفی، مضمون‌های اصلی عبارت بودند از: تجربیات مربوط به پدیده ازدواج و انتخاب همسر و تأثیرات منفی در روابط. زیرمضمون‌های به دست آمده: کم شدن شور و هیجان احساسی در رابطه با شریک زندگی، بالا رفتن میزان حساسیت و وسواس فرد در روابط، تغییر نگرش نسبت به مردها (از سمت شرکت‌کنندگان خانم)، ایجاد حس عدم درک مشترک در روابط خانوادگی و اجتماعی به علت تفاوت در سطح آگاهی، ایجاد سطح انتظارات غیرمنطقی از دانش‌آموختگان این رشته. **نتیجه‌گیری:** مطابق یافته‌های این پژوهش، تجربه زیسته شرکت‌کنندگان نشان داد که تحصیل در رشته مشاوره، از جنبه‌های مختلف بر زندگی شخصی آن‌ها و دیدگاهشان نسبت به ازدواج و روابط زناشویی تأثیرگذار بوده است.

واژه‌های کلیدی: دانشجویان، رشته مشاوره، تجربه زیسته، نگرش، ازدواج، روابط زناشویی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

مقدمه

هرچند توجه به شرایط روانی انسان از سابقه تاریخی طولانی برخوردار است، اما شروع کار حرفه‌ای دانشمندان در حوزه‌ی علوم روان‌شناسی و مشاوره به شکل تخصصی و کاربردی به حدود یک قرن پیش بازمی‌گردد. هم‌زمان که این حرفه جوان تکامل می‌یابد، محققان سعی کرده‌اند تا این حرفه و افرادی را که در آن مشغول به کار هستند مورد مطالعه قرار دهند. درحالی‌که حرفه مشاوره هنوز در حال تغییر و تحول است، مؤلفه‌های خاصی از این حرفه به خوبی مورد مطالعه قرار گرفته شده‌اند (الهاناتی^۱، ۲۰۰۷).

آموزش رشته‌ی مشاوره نیز تحت تأثیر تحقیقات جدید در مورد کاربرد تئوری‌ها و تکنیک‌های درمانی و اهمیت رابطه درمانی قرار گرفته است. در بخش دیگری از مطالعات حرفه‌ی مشاوره، خطرات و مشکلات حرفه‌ای مرتبط با کار به عنوان مشاور حرفه‌ای بررسی شده‌اند. تحقیقات در مورد خود درمانگر، با موضوعاتی از قبیل میزان انتقال فشار و استرس، فرسودگی شغلی و سایر موارد که ممکن است تأثیرات منفی در زندگی شخصی و حرفه‌ای او بگذارد، در سال‌های اخیر توجه محققان را به خود جلب کرده است. بعضی از پژوهشگران معتقدند که کار در حوزه بهداشت روان می‌تواند برای برخی افراد مشکل‌آفرین باشد و زندگی شخصی درمانی آن‌ها را به دلایلی از قبیل برخورد مستمر با مشکلات مراجعان، نقش‌ها و انتظارات اجتماعی از این حرفه به مخاطره بیفکند (دیوچ^۲، ۱۹۸۴). همان‌طور که جنسن^۳ (۲۰۰۷) ادعا کرده است، مرزهای بین زندگی شخصی و حرفه‌ای درمانگران روان‌شناختی، به آن میزانی که اغلب در مورد آن صحبت می‌شود، واضح و روشن نیست و به همین دلیل موضوع مهمی جهت تحقیق و بررسی محسوب می‌شود. جیمز گای^۴ (۱۹۸۷) توضیحی در مورد جنبه‌های مختلف

1. Alhanati, B.S.
 2. Deutsch, C.J.
 3. Jensen, P.
 4. Guy, J.

روان‌درمانگر بودن، با تمرکز بر چگونگی تأثیرگذاری آن بر زندگی و روابط خصوصی درمانگران ارائه داده است. از جمله مواردی که جیمز گای به آن‌ها اشاره کرده این است که درمانگران روز خود را در تعامل با افرادی می‌گذرانند که شرایط احساسی چالش‌برانگیزی را در روابطشان تجربه می‌کنند. الگوهای تعامل می‌توانند باعث شوند، که درمانگر علاقه خود به چالش‌های روزانه با شریک زندگی‌اش و توانایی همدلی با او را از دست بدهد. به نظر بنگ^۱ (۲۰۰۳) تجربیات و احساساتی که فرد به عنوان مشاور از سر می‌گذراند می‌تواند جهان بینی او را تغییر دهد. در واقع زندگی شخصی و حرفه‌ای مشاور به شدت متأثر از هم می‌باشد. رابو، مالتو، بیندر و مک‌لود^۲ (۲۰۱۵) بررسی کردند که چگونه روان‌درمانی بر زندگی شخصی درمانگر تأثیر می‌گذارد. نتیجه‌ی تحقیق آن‌ها نشان‌دهنده‌ی تأثیر این حرفه بر احساساتی چون: باز بودن نسبت به تجربه، میزان تحمل فشار روانی و خلاقیت درمانگر است، همچنین مشاور به خاطر غرق شدن در احساس مسئولیت‌پذیری و حتی گاهی احساس عدم کفایت و ناامیدی، آسیب‌پذیر می‌شود. یالوم^۳ (۲۰۰۲) در کتاب هنر درمان چنین می‌نویسد که یک خطر احتمالی در حرفه‌ی مشاوران و روان‌درمانگران غافل شدن از روابط شخصی خودشان است. وقتی فردی تمام روز مشغول کاری است که ایجاد روابط صمیمی و ابراز حس همدلی از اصول آن است، این فرد می‌تواند احساس نیاز کمتری به صمیمیت در روابط شخصی و زندگی خصوصی خود تجربه کند. علاوه بر این، اینکه درمانگر همیشه مورد احترام و پذیرش بالا قرار می‌گیرد، تدریجاً برای او امری طبیعی تلقی می‌شود. موضوعی که ممکن است او در زندگی شخصی‌اش با آن روبرو نباشد. این موضوع باعث می‌شود که دیگر نتواند مثل سابق با رفتارهای اطرافیانش کنار بیاید و بازخوردهای دیگران را ارزش‌گذاری می‌کند. یالوم (۱۹۸۹) همچنین معتقد است که درمانگر در یک رابطه‌ی درمانی با دو نقش

1. Bang, S.

2. Rabu, M., Moltu, C., Binder, P.-E., & McLeod, J.

3. Yalom, I.D.

مشاهده‌کننده و شرکت‌کننده ظاهر می‌شود، به عنوان شرکت‌کننده، مشاور وارد زندگی مراجع می‌شود و طبیعتاً رفتارهای او (مشاور) تغییر می‌کند و این تغییرات در زندگی شخصی وی تأثیر می‌گذارد.

هیچر^۱ (۲۰۱۲) تأکید می‌کند که درمانگران روان‌شناختی و مشاوران شباهت زیادی بین خودشان و مراجعانشان تجربه می‌کنند و حکایت‌های مختلف زندگی مراجعان در زندگی خصوصی درمانگران آن‌ها انعکاس می‌یابد. در مطالعه‌ی کیفی که توسط تیسکو و لوراس^۲ در کشور نروژ انجام شد. پژوهشگران به بررسی کیفی این موضوع پرداختند که چگونه زندگی حرفه‌ای مشاوران و روان‌درمانگران بر روابط شخصی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. برای پاسخ به این سؤال، مصاحبه‌های کیفی نیمه ساختاریافته‌ای با چهار درمانگراز دو حیطة خدمات مشاوره‌ای مختلف صورت گرفته است. از طریق استفاده از تفسیر و تجزیه و تحلیل پدیدار شناختی، سه یافته اصلی مشخص شد: (۱) دانش و ارزش‌های شخصی خانواده درمانگران مبنای اصلی برخوردهای بین فردی آن‌ها است. (۲) شرکت‌کنندگان، هم‌آوایی خاصی با داستان‌های مراجعانشان توصیف می‌کنند (۳) این امکان وجود دارد که درمانگران در مورد مدیریت اطلاعات محرمانه‌ی مراجعانشان، به ویژه آنجا که خود درمانگر متعلق به همان اجتماع باشند، با چالش روبرو شوند (تیسکو و لوراس، ۲۰۱۷).

علی‌رغم چندین دهه تحقیق، داده‌های محدودی در مورد اثرات روان‌درمانی و مشاوره بر زندگی دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته وجود دارد. بسیاری از تحقیقات یافته‌های خوش‌بینانه‌ای در مورد حصول مهارت‌های مشاوره‌ای و درمانی را گزارش کرده‌اند (هیلسنروث، آکرم، بلگیس، دفایف^۳، ۲۰۰۶). اما بعضی از محققین معتقدند که دوره‌های آموزش نه تنها تأثیر چندانی نداشته‌اند بلکه گاهی تأثیرات منفی را

1. Hatcher, S. L

2. Tysko, E. H., & Loras, L.

3. Hilsenroth, M.J., Ackerman, S., Blagys, M.D. & DeFife, J.

نیز به دنبال داشته‌اند (میلر، مونت^۱، ۲۰۰۱).

کتنهرن^۲ (۱۹۸۲) مطالعه‌ای در مورد تأثیر تحصیلات تکمیلی در رشته‌ی روان‌شناسی بر روابط زناشویی دانشجویان پسری که قبل از ورود به تحصیلات تکمیلی ازدواج کرده و فرزند داشتند، انجام داده است. نتایج تحقیق نشان از اثرات مثبت در ازدواج داشته است. از نظر کتنهرن (۱۹۸۲) یکی از علل اصلی اثرات مثبت، رشد فردی و زوجی این افراد است که به جهت گسترش پتانسیل مهارت‌های مقابله با استرس‌های شدید در شخص، کارهای عملی و تجربیات درمانی در افراد ایجاد می‌شود. این نتایج برخلاف نتایج تحقیقات پیشین بود که توسط لونی، هاردینگ، بلاتکی و برانهارت^۳ (۱۹۸۰) انجام شده و مبنی بر احتمال بیشتر وجود اختلافات زناشویی و شکست در ازدواج برای روان‌پزشکان نسبت به عموم جامعه بود.

با توجه به تعداد اندک میزان پژوهش‌های انجام شده، جهت مطالعه و بررسی تجربه زیسته‌ی دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های مشاوره و روان‌درمانی و نحوه‌ی اثرگذاری این تجربیات بر زندگی و روابط خصوصی دانشجویان این رشته، به خصوص فقدان مطالعات کافی در این زمینه در کشور ایران، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که انجام پژوهش حاضر ضروری است.

روش

مبنای روش‌شناسی پژوهش حاضر بر اساس رویکرد کیفی^۴ است. یکی از انواع روش کیفی روش پدیدارشناختی^۵ است. مطالعه‌ی پدیدارشناسی، معنای تجارب زیسته افراد متعدد از یک مفهوم یا پدیده را مدنظر قرار می‌دهد (کرسول^۶، ۱۳۹۶). به عبارت دیگر این

1. Miller, W. R., Mount, K. A.

2. Kattenhorn, D. L.

3. Looney, J. G., Harding, R. K., Blotcky, M. J., & David, F.

4. Quantitative approach.

5. Phenomenology.

6. Creswell, J.W.

روش سعی بر آن دارد که به شناخت از پدیده، از طریق پی بردن به درک افراد از آن پدیده ارج نهد (بازرگان، ۱۳۹۴). پژوهشگر به منظور درک عمیق تجربه‌ی زیسته‌ی دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌ی مشاوره و تأثیر آن بر دیدگاه آنان نسبت به ازدواج بدون هیچ دخل و تصرفی به مطالعه‌ی عمیق پدیده‌ی در حال وقوع پرداخته است. نمونه‌گیری پژوهش از نوع هدفمند بود. از آنجا که حجم نمونه‌ی مناسب برای یک پژوهش کیفی، میزان نمونه‌ای است که پاسخ مناسبی برای سؤال‌های پژوهش فراهم کند، پژوهشگر جمع‌آوری داده‌ها را تا جایی ادامه می‌دهد که امکان دسترسی به مقولات، موضوعات یا تبیینات جدید وجود دارد، اما وقتی به اشباع داده‌ها رسیده باشد نیازی به افزایش تعداد افراد گروه نمونه ندارد (ابولمعالی، ۱۳۹۱). جامعه آماری این پژوهش را براساس اصل اشباع ۱۶ نفر از دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته مشاوره در دانشگاه‌های تهران تشکیل دادند. ملاک ورود اصلی در نمونه‌گیری این پژوهش، تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته‌ی مشاوره بوده است. همچنین رضایت مصاحبه‌شوندگان نسبت به شرکت در پژوهش و آمادگی و توانایی انتقال مفاهیم طی مصاحبه، از سایر ملاک‌های ورود به پژوهش بود. در ادامه در جدول شماره ۱ اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان ارائه شده است.

جدول شماره ۱. اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها

شماره	سن	جنسیت	مقطع تحصیلی	وضعیت تأهل	سابقه ازدواج	تعداد فرزندان
۱	۲۲	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	---	---
۲	۳۱	مرد	کارشناسی ارشد	مجرد	---	---
۳	۲۴	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	---	---
۴	۳۵	مرد	کارشناسی ارشد	مجرد	---	---
۵	۲۴	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	---	---
۶	۲۳	مرد	کارشناسی ارشد	مجرد	---	---
۷	۳۸	زن	کارشناسی ارشد	متأهل	---	۲

شماره	سن	جنسیت	مقطع تحصیلی	وضعیت تاهل	سابقه ازدواج	تعداد فرزندان
۸	۲۴	زن	دکتری	مجرد	---	---
۹	۲۳	مرد	کارشناسی ارشد	متاهل	---	---
۱۰	۲۳	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	---	---
۱۱	۲۴	زن	کارشناسی ارشد	متاهل	---	---
۱۲	۲۳	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	---	---
۱۳	۵۳	زن	کارشناسی ارشد	متاهل	---	۲
۱۴	۲۴	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	---	---
۱۵	۳۷	زن	کارشناسی ارشد	متاهل	---	۲
۱۶	۴۲	زن	کارشناسی ارشد	مجرد	سابقه یک‌بار طلاق	---

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش از نوع مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ بود. پرسش‌ها در این نوع مصاحبه ماهیتاً محدود به فرضیه‌ها نبوده، بر اساس هیچ نوع متغیر از پیش تعیین شده‌ای نیست و به مصاحبه‌شونده این امکان را می‌دهد که احساس، ادراک و تفسیر خود از واقعیت تجربه شده را در دامنه‌ای که خود می‌پسندد و با عبارات خود بیان کند. با این حال این نوع مصاحبه به دلیل دربرگیرندگی توالی و رئیس کلی مشخص برای پرسش‌ها، امکان تبعیض میان پاسخ‌دهندگان را به حداقل رسانده و می‌تواند پایایی بیشتری را فراهم کند (گال، بورگ و گال، ۲۰۰۵). سؤالات پژوهش حاضر در ۴ محور اصلی تهیه شد. تا شرایط مشابه برای تمامی شرکت‌کنندگان فراهم شود. در طول مصاحبه از سؤال‌های تکمیلی دیگر در مواقع ضروری نیز استفاده شده است. در نهایت هر مصاحبه طی مدت زمان ۴۰ تا ۴۵ دقیقه انجام گرفت. سؤال‌های محوری پژوهش به شرح زیر می‌باشد: ۱- تجربه‌ی کلی خودتان از تحصیل در رشته مشاوره را

1. Semi-Structured Interviews.

2. Gall, M.D., Gall, J, P, & Borg, W.R.

چگونه می بینید؟ ۲- در مجموع رشته تحصیلی شما و فعالیت های مشاوره ای تان چه تأثیری در زندگی شخصی (خانوادگی و اجتماعی) شما داشته است؟ ۳- قبل از وارد شدن در این رشته دیدگاهتان نسبت به ازدواج و روابط زناشویی و خانواده با نگرش فعلی شما چه تفاوتی داشت؟ ۴- به طور کلی از نظر شما، تحصیل در رشته ی مشاوره و اشتغال به این حرفه چگونه دیدگاه فرد نسبت به ازدواج و روابط زناشویی را تحت الشعاع قرار می دهد؟ (لطفاً توضیح دهید). ۵- نظر خود را در مورد نحوه و میزان تأثیرگذاری ابعاد مختلف در رشته ی مشاوره را مطرح کنید؟

روش تجزیه و تحلیل داده ها

با توجه به مراحل روش کلایزی^۱، که برای کار فنومنولوژی^۲ توصیفی مناسب تر است، در پژوهش حاضر به شرح زیر به کاررفته است: پس از پیاده سازی مصاحبه ها بر روی کاغذ، متن مکالمات افراد چندین بار مطالعه شد تا از این طریق بتوان به یک معنا و احساس کلی دست یافت. در این مرحله زیر تمام جملات و عباراتی که به طور مستقیم به تجارب زیسته ی مرتبط افراد با سؤالات پژوهش در یک راستا بود خط کشیده شد. به این ترتیب عبارات مهم معنادار استخراج گردید. در این مرحله معنای مهم هر جمله که همان معنای منظم شده یا کدها هستند از جملات استخراج شده و نوشته شدند. مرحله دسته بندی داده ها، شامل قرار دادن معانی مشابه استخراج شده در داخل خوشه هایی تحت عنوان زیر مضمون ها بود. این معناها منعکس کننده ی ساختار منحصر به فرد خوشه ی ای که به آن تعلق دارند بودند. در این مرحله پژوهش گرا اقدام به تلفیق نتایج زیر مضمون ها در قالب یک توصیف کامل کرده و توصیف جامعی از نتایج و خوشه ها ارائه کرد. و به این ترتیب به مضامین اصلی دست پیدا کردیم ..

1. Colaizzi.

2. Phenomenologically.

یافته‌های پژوهش

بر پایه بیانات مشارکت‌کنندگان و به واسطه کدگذاری، طبقه‌بندی و تفسیر پاسخ‌ها، یافته‌ها در ۲ بعد کلی تجربیات مثبت و تجربیات منفی طبقه‌بندی شدند. تجربیات مثبت که به صورت مضمون‌های اصلی و زیرمضمون‌های درک شده از آن در جدول‌های شماره ۲ و ۳ آورده شده‌اند؛ شامل تجربیاتی هستند که از نظر خود دانشجویان ارزشمند و مثبت به شمار می‌رفتند. و به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر دیدگاه دانشجویان در مورد ازدواج و روابط زناشویی تأثیر گذاشته‌اند.

جدول شماره ۲. مضمون‌ها، زیرمضمون‌ها، واحدهای معنایی حمایت‌کننده
حاصل از کدگذاری متن مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان

مضمون اصلی	زیرمضمون	کدهای اولیه
	خودآگاهی	رسیدن به خودآگاهی / گره‌های روانی خودم رو پیدا کردم / بررسی رفتار/ شناخت ویژگی‌های شخصیتی /
افزایش آگاهی	افزایش آگاهی نسبت به ویژگی‌های شخصیت دیگران	بیشتر شخصیت اطرافیان را شناختم / بررسی شخصیت زوج‌ها/ شخصیت‌ها رو بهتر بشناسم /
رشد آگاهی نسبت به توانمندی‌های شخصی	رشد اعتماد به نفس	بالا رفتن اعتماد به نفس / خیلی اعتماد به نفسم بالاتر رفته / افتخار می‌کنم به آنچه که من الآن هستم / الآن خانواده من رویه پله بیشتر حساب میکنن
	احساس مفید بودن روابط خانوادگی و اجتماعی	می‌توانم به دیگران کمک کنم / نقش کمک‌کننده در خانواده / به خودم هم کمک میکنم / به من اعتماد شد و از من کمک خواسته شد بهبود روابط / تشخیص وضعیت یک رابطه / علمی تر رابطه رو بررسی کنم / که باهاشون خیلی راحت تر کنار میام
بهبود مهارت‌های ارتباطی بین فردی (خانواده، جامعه)	دستیابی به دیدگاه سیستمی در خانواده	شناخت خانواده و سیستم خانواده / من تغییر کنم، خانواده تغییر میکنه / تغییر دیدم به خانواده و سیستم خانواده / میشه رابطه‌ی اعضا را با هم پیدا کرد
	افزایش همدلی کنترل عواطف و هیجانات	خیلی همدلیم بالا رفته / درکشون می‌کنم / آدم‌ها رو بهتر میتونم دوست داشته باشم / رشته مشاوره رو همدلی من خیلی تأثیر گذاشت / خیلی خودکنترلیم بالا رفته / تنظیم هیجانات

در زیر همراه با بیان یافته‌ها، نمونه‌های از پاسخ‌های شرکت‌کنندگان آورده شده است:

۱- تجربه افزایش آگاهی

۱- افزایش خودآگاهی

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به سؤال "بزرگ‌ترین تجربه‌ای که فکرمی‌کنید این رشته برای شما داشته چیست؟" به طور مستقیم یا ضمنی، شناخت «خود» را از اصلی‌ترین و مهم‌ترین تأثیراتی برشمرده‌اند که تحصیل در رشته‌ی مشاوره در مقاطع تحصیلات تکمیلی برای آن‌ها به همراه داشته است. براساس پاسخ مصاحبه‌شوندگان می‌توان به این نتیجه رسید که تجربه‌ی آموخته‌های درسی و کسب دانش عملی ناشی از انتقال تجربیات اساتید و کارورزی در این رشته، بسیار به بالا رفتن آگاهی شرکت‌کنندگان نسبت به ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری ایشان کمک کرده بود. با استناد به پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان و تبیین مواردی کلیدی همچون "بیشتر به مشکلات روانی خودم پی بردم"، "گره‌های روانی خودم رو پیدا کردم"، "از خیلی از رفتارهایی که هم به خودم آسیب می‌زد هم به دیگران من آگاهی پیدا کردم" دست آورد مهم دانش و علم مشاوره دستیابی به آگاهی و بینش قابل قبولی از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری شرکت‌کنندگان بوده است. این آگاهی کسب شده توسط شرکت‌کنندگان به آن‌ها کمک کرده تا بیشتر، خود و ویژگی‌های شخصیتی خود را شناخته و تا حدی به نیازها و خواسته‌های خود در رابطه با محیط و اطرافیان پی ببرند.

۱- افزایش آگاهی نسبت به ویژگی‌های شخصیتی دیگران

یکی از تجربیات مثبت دیگر تحصیل در رشته‌ی مشاوره از نظر اکثر شرکت‌کنندگان، افزایش آگاهی نسبت به ویژگی‌های شخصیتی دیگران بود. به عنوان مثال پاسخ یکی از شرکت‌کنندگان آورده شده است: "باعث شد شخصیت‌ها رو بهتر بشناسم، مثلاً من قبلاً

نمی‌دانستم که مثلاً شخصیتی مثل^۱ (اختلال شخصیت مرزی) چیه؟! که شخصیت یکی از دوستانم بود اما الآن میدونم چطور با او رفتار کنم".

بنا به گفته‌ی مشارکت‌کنندگان در پژوهش، دروسی از قبیل نظریه‌های شخصیت، نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، آسیب‌شناسی روانی و روان‌شناسی رشد به ایجاد این آگاهی و شناخت از شخصیت خود و دیگران کمک کرده بود. با توجه به داده‌ها و پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان می‌توان به این نتیجه دست یافت که مضمون اصلی آگاهی برای دانش‌آموختگان که در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌ی مشاوره به‌طور پیوسته ادامه تحصیل داده بودند بیشتر از دانشجویانی بوده که تنها در مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی مشاوره مشغول به تحصیل بودند. یافته‌های پژوهش فعلی همچنین به نظر می‌رسد که برخی از یافته‌های حاصل از مطالعه مک‌آلیف^۲ (۲۰۰۲) را تکمیل می‌کند. نتیجه‌ی مطالعه‌ی مک‌آلیف (۲۰۰۲) می‌گوید مشاوران پس از آموزش، شناخت بیشتری از ویژگی‌های شخصیتی خود و اطرافیان را تجربه می‌کنند و تمایل به در نظر گرفتن همه جوانب در درون خود، قبل از اقدام به عملی را تجربه می‌کنند...

۲- رشد آگاهی نسبت به توانمندی‌های شخصی مطالعات فرنگی

۲-۱- رشد اعتماد به نفس

از دیدگاه برخی از مصاحبه‌شوندگان یکی از تأثیرات مثبت تحصیل در رشته‌ی مشاوره، هم‌زمان با شناخت کامل‌تر ویژگی‌های شخصیتی خود، رسیدن به دید تازه‌ای نسبت به توانمندی‌های شخصی است. چند نمونه از پاسخ شرکت‌کنندگان در زیر آورده شده است: "باعث بالا رفتن اعتماد به نفس، درک توانایی‌ها و مهارت‌ها شده"، "مثلاً قبل از اینکه رشته مشاوره بخونم، یک احساس کم داشتن، کم بودن، اعتماد به نفس خیلی

1. Borderline personality disorder.
2. McAuliffe, G. J.

پایین و حالتی از حسادت خیلی زیادی داشتم... فن‌هایی که خونده بودم روروی خودم اجرا کردم و خیلی اعتماد به نفسم بالاتر رفته". برآورده شدن نیاز به عزت نفس به شخص اجازه می‌دهد تا نسبت به قابلیت، ارزشمندی و کارآمدی خود احساس اطمینان کند. در نتیجه‌ی چنین احساس‌هایی، فرد ممکن است در تمام جنبه‌های زندگی خود کارآمدتر و مولدتر شود. (شولتز، ۱۹۹۰، سیدمحمدی، ۱۳۷۷). این کارآمدی طبعاً تأثیر خود را بر دیدگاه دانشجویان رشته‌ی مشاوره در مورد ازدواج خواهد گذاشت.

۲-۲- احساس مفید بودن

اکثر شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر به این نکته اشاره کردند که تحصیل در رشته‌ی مشاوره و قدم گذاشتن در راه مشاور شدن نیاز آن‌ها به حس مفید بودن برای خود و دیگران را تأمین کرده است. درک تجربه‌ی مفید بودن به معنادار شدن زندگی این افراد کمک کرده است. به عنوان نمونه: "این رشته احساس مفید بودن را به من داد، احساسی که می‌توانم به دیگران کمک کنم و به خودم هم کمک می‌شود" و "مسئله دیگر این بود که خیلی به من اعتماد شد و به عنوان یک دانشجوی رشته‌ی مشاوره خیلی‌ها از من کمک خواستند".

۳- بهبود مهارت‌های ارتباطی بین فردی (خانواده، جامعه)

۳-۱- افزایش حس همدلی

همدلی موجب افزایش ظرفیت بنیادین افراد در تنظیم روابط، حمایت از فعالیت‌های مشترک و انسجام گروهی است. همدلی به معنای دیدن دنیا از زاویه‌ی دید دیگران، توانایی عاطفی برای درک هیجان‌ها و توانایی شناختی برای فهم معنای هیجان‌های اشخاص دیگر است. از گفته‌های شرکت‌کنندگان در مورد تأثیر رشته‌ی مشاوره بر میزان همدلی آن‌ها به اختصار چند مثال آورده شده است. "رشته مشاوره رو

همدلی من خیلی تأثیر گذاشت" یا "خیلی همدلیم بالا رفته، سعی می‌کنم خودم رو بذارم جای دیگران، درکشون کنم".

۲-۳- کنترل عواطف و هیجانات

با توجه به پاسخ شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، به عنوان مثال: "من احساس می‌کنم که خیلی خودکنترلیم بالا رفته، احساس می‌کنم که، قبلاً از اینکه وارد رشته مشاوره بشم یک آدمی بودم که انعطاف‌پذیریم خیلی پایین بود". یا "باعث شد یاد بگیرم تو موقعیت‌های مختلف چی کارکنم و چه جور واکنشی نشون بدم احساس می‌کنم شخصیتم واقعاً تغییر کرد". می‌توان به این نتیجه‌گیری کلی رسید که آموخته‌های رشته‌ی مشاوره توانسته است به مشارکت‌کنندگان در رسیدن به مهارت‌های لازم جهت کنترل هیجانات خود کمک شایانی کند. آگاهی از هیجانات و توانایی کنترل هیجانات منفی می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات زناشویی جلوگیری نماید. برخورداری از سطح بالای پختگی هیجانی می‌تواند مشکلات بین فردی را کاهش دهد (کردوا و وارن^۱، ۲۰۰۵).

۳-۳- دستیابی به دیدگاه سیستمی در خانواده

به گفته‌ی برخی از شرکت‌کنندگان یکی از تأثیرات مثبتی که تحصیل در رشته‌ی مشاوره برای ایشان داشته است، پیدایش یک دید سیستمی نسبت به خانواده است. این نگاه جدید به سیستم و روابط خانواده باعث شده که دانشجویان این رشته در حل و فصل مشکلات خانوادگی و زناشویی خود به موفقیت‌های درخور توجه‌ای دست یابند. "مهم‌ترین چیزی که برام داشت تغییر دیدم به خانواده و سیستم خانواده و اینکه چطور میش مشکلات خانوادگی رو حل کرد و چطور میش فضای خانواده رو تبیین و بررسی کرد". با توجه به دیدگاه سیستم‌ها بدون وجود تغییرات مکمل در کل نظام خانواده، نمی‌توان قسمتی از آن را تغییر داد (گلدنبرگ، گلدنبرگ^۲، ۱۹۳۴، شاهی پرواتی،

1. Cordova, J., V. & Warren, L., Z.

2. Goldenberg, H. & Goldenberg, E.

نقش‌بندی، ارجمند، ۱۳۹۵). نمونه‌ی دیگری از پاسخ‌های مربوط به این زیر مضمون "متوجه شدم، حضور مادر به تنهایی در جلسات مشاوره کافی نیست، سیستم خانواده باید حضورداشته باشد، حضور پدر خیلی مهم است".

۳-۴- اصلاح روابط خانوادگی و اجتماعی

با استناد به پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در مصاحبه، که به اختصار چند مورد در ذیل آمده است، تجربه‌ی تحصیل در رشته‌ی مشاوره و تجربیات عملی ناشی از انتقال مفاهیم توسط اساتید و کارورزی، به دانشجویان کمک کرده تا بتوانند روابط خود را چه در سطح خانوادگی و چه در سطح اجتماعی بهبود ببخشند. خاطرنشان می‌کنیم که رشد دو زیرمضمون همدلی و کنترل هیجانات به شرکت‌کنندگان در دستیابی به روابط بهتر، نقش داشته است. نمونه‌ای از پاسخ شرکت‌کنندگان: "من ۲ سال بود که با پدرم صحبت نمی‌کردم. حالا من باهاش حرف می‌زنم. زنگ بزَن جوابش رو می‌دم.". "رابطه‌ام با همسر و فرزندانم خیلی بهتر شده".

با توجه به مطالعات انجام شده در مورد روابط خانوادگی مشاوران، اعتقاد بر این است که درمانگران در رابطه با اعضای خانواده خود تحمل، پذیرش، پرورش، درک و صبر بیشتری از خود نشان می‌دهند (گای، ۱۹۸۷). این واقعیت که شرکت‌کنندگان به طور کلی در روابط و زندگی خود پیشرفت‌هایی را تجربه کرده‌اند، از این خط تفکرپشتیبانی می‌کند. علاوه‌براین، در برخی از مطالعات گذشته این نتیجه به دست آمده است که دانشجویان و کارورزان رشته‌ی مشاوره، در تعامل خود با دوستان و خانواده روابط بالغ‌تری ایجاد می‌کنند، اعتمادبه‌نفس بیشتری دارند و کمتر از سیستم‌های دفاعی استفاده می‌کنند (موریس^۱، ۱۹۷۵).

۴- تغییرات مثبت پیرامون امر ازدواج

۴-۱- تغییر در نگرش به آشنایی قبل از ازدواج و تأکید بر مشاوره پیش از ازدواج

تقریباً همه‌ی شرکت‌کنندگان اذعان داشتند که آموخته‌های رشته‌ی مشاوره به آن‌ها ثابت کرده بود، که تا چه میزان مشاوره‌ی پیش از ازدواج می‌تواند امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر باشد. چند نمونه از پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در زیر آورده شده است: "اگر من بخوام وارد یک رابطه برای ازدواج بشم، الآن قطعاً شرط می‌ذارم که ما باید مشاوره قبل از ازدواج رو بریم" یا "اصلاً شرطم با اون شخصی که تو زندگی هست این که باید همیشه یک مشاور در زندگی ما حضور داشت باش... اصلاً کسی رو که مشاوره رو قبول نداشته باش نمیتونم قبول بکنم من". همچنین شرکت‌کنندگان از تغییرانی که در نگرششان نسبت به آشنایی قبل از ازدواج اتفاق افتاده بود نیز خبر می‌دادند. در بسیاری موارد پاسخ‌ها حاکی از این بود که، با توجه به پیچیدگی‌ها شخصیتی یک فرد و در شرایط امروز جامعه، نمی‌توان تنها به سبک ازدواج سنتی اکتفا کرد. "من قبلاً با روش سنتی ازدواج مخالف بودم و الآن خیلی بیشتر مخالفم." یا "شناخت بهتر.. این تواز ازدواج سنتی خیلی سریع حذف میش".

جدول شماره ۳. مضمون‌ها، زیرمضمون‌ها، واحدهای معنایی حمایت‌کننده

حاصل از کدگذاری متن مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان

تغییر در نگرش به آشنایی قبل از ازدواج	داشتن آشنایی قبل از ازدواج خیلی بهتر / من خیلی اخلاقی تر شدم / با روش سنتی ازدواج مخالف بودم و الآن خیلی بیشتر مخالفم / خیلی مصرتر شدم به حداقل یک سال، دو سال این رابطه و شناخت	تغییرات مثبت پیرامون امر ازدواج
تأکید بر مشاوره پیش از ازدواج	باش / دانشجویان مشاوره بر مشاوره پیش از ازدواج مصر هستند و این بینش رو دارند / ولی خیلی بیشتر می‌خوام مشاوره قبل از ازدواج رو برم / اصلاً شرطم مشاوره است / اصلاً کسی رو که مشاوره رو قبول نداشته	
	باش نمیتونم قبول بکنم من	

نگرش متفاوت به تفاوت با نگاه عامه مردم / نگاهی سالم‌تر به ازدواج / الآن که مشاوره مقوله ازدواج نسبت خوندم این مسئله برام بازتر است / تغییر نگرش نسبت به ازدواج به گذشته

آگاه شدن به جایگاه مشاوره و اهمیت مشاوره پیش از ازدواج فهمیدم چقدر جاش خالی بوده / الآن میدونم تنها راه حل مشکلات زناشویی طلاق نیست / اگر در زندگی من یک سری آدم‌های آگاه به مشاوره یا روان‌شناسی بودن، قطعاً زندگی من به جور دیگری می‌بود / بعضی‌ها به مشاوره فردی و بعضی به خانوادگی نیاز دارند / جلوی خودکشی را گرفتم

تغییر در کلیشه‌های جنسیتی (در بین شرکت کنندگان مرد) زن و مرد در حق طلاق باید مساوی باشند / دیدگاهم اول خیلی جنسی بود، ولی رفته رفته خیلی بهتر شد / زن و مرد باید با هم مساوی باشند

۲-۴ - نگرش متفاوت به مقوله ازدواج نسبت به گذشته

شرکت کنندگان در پاسخ به سؤال: آیا دیدگاه شما نسبت به ازدواج قبل و بعد از تحصیل در رشته‌ی مشاوره تغییر کرده است؟ با اشاره به رسیدن به دید بازتر و آگاهانه‌تر و یا متفاوت با نگاه سایر افراد جامعه از تغییر در نگرش خود نسبت به پدیده‌ی ازدواج خبر دادند. مثال‌هایی از پاسخ مصاحبه‌شوندگان آورده شده است: "من قبل از این رشته بحث ازدواج برام خیلی گنگ بود... ولی الآن که مشاوره خوندم این مسئله برام بازتر است"، "تازه فهمیدم معنی ازدواج چیه؟ تازه فهمیدم که چقدر سخت‌نگه داشتن رابطه!"، "اینکه تازه فهمیدم که زندگی زناشویی خیلی مهارت می‌خواد که ماها یاد نمی‌گیریم و فقط ازدواج می‌کنیم". براساس داده‌های پژوهش بسیاری از شرکت کنندگان به آگاهی و بینش جدیدی در انتخاب دقیق‌تر و موشکافانه‌تر شریک زندگی پیدا کرده بودند. همین‌طور اظهار داشتند که آشنایی با مشکلات شخصیتی افراد جامعه و روبرو شدن متعدد با زوجین ناموفق، اکثر دانشجویان این رشته را به گفته‌ی خودشان "گوش به زنگ تر" کرده است. "سعی می‌کردم انتخاب هام درست‌تر باش، آینده‌نگرتر

باشم" و یا "باعث شد دقت کنم و همه چیز رو بسنجم".

۳-۴- آگاه شدن به جایگاه مشاور و اهمیت مشاوره پیش از ازدواج

در این زیرمضمون به نتیجه‌ای که از پاسخ بسیاری از شرکت‌کنندگان در پژوهش به دست آمده پرداخته شده است. اینکه آموخته‌های درسی و تجربیات عملی ناشی از دوره کارورزی شرکت‌کنندگان را به درک جدیدی از امر مشاوره و نیاز حیاتی جامعه به این حرفه رسانده بود. یکی از شرکت‌کنندگان با اشاره به این موضوع عنوان کرد که: "من به جایی فهمیدم تونزنگیم، مخصوصاً در کودکی، اگر یک سری آدم‌های آگاه به، مشاوره یا روان‌شناسی بودن، قطعاً زندگی من به جور دیگه‌ای می‌بود." و یا "با دانش مشاوره‌ایم جلوی خودکشی یک دختر را گرفتم"، نمونه‌ی دیگر: "به نظر من همه یا به مشاوره فردی و یا خانوادگی نیاز دارند"

۶- تغییر در کلیشه‌های جنسیتی (تغییر نگرش نسبت به خانم‌ها در شرکت‌کنندگان مرد)

در حین مصاحبه و با توجه به هدف پژوهش که بررسی تأثیر آموخته‌های درسی رشته مشاوره بر دیدگاه دانشجویان نسبت به ازدواج و روابط زناشویی است، این حقیقت به چشم می‌خورد که دانشجویان مرد (مجرد و متأهل) به نگرش متفاوتی نسبت به زنان دست یافته‌اند. در زیر چند نمونه از پاسخ‌ها آورده شده است: "ولی الآن وقتی می‌بینم سر کلاس خود استاد میگ: دخترا حق طلاق رو بخواین از کسی که باهاش ازدواج می‌کنین!... من الآن به شدت حرفم این است که زن و مرد باید با هم مساوی باشند، من آگه با یکی ازدواج کنم، صد در صد بهش حق طلاق میدم. چون دو تا آدمیم و چرا من باید بتونم طلاق بدم و اون نتونه، و خیلی چیزهای دیگه" و یا "اره خیلی عوض شده. رک بگم. دیدگاهم اول خیلی جنسی بود، ولی رفته رفته خیلی بهتر شد و، دار ملاک‌هایی جز ملاک جنسی برام مهم میش...".

جدول شماره ۴. مضمون‌ها، زیرمضمون‌ها، واحدهای معنایی حمایت‌کننده
حاصل از کدگذاری متن مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان

مضمون اصلی	زیرمضمون	کدهای اولیه
تجربیات مربوط به پدیده ازدواج و انتخاب همسر	کم شدن شور و هیجان احساسی در رابطه با شریک زندگی	دیگ اون شور و هیجان رو در رابطه احساس نمی‌کردم
	بالا رفتن میزان حساسیت و وسواس فرد در روابط	انقدر حساسیت روی یک سری از چیزها زیاده که اصلاً نمی‌تونم انتخاب کنی
تأثیرات منفی در روابط	تغییر نگرش نسبت به مردها (از سمت شرکت‌کنندگان خانم)	تأثیراتی در دید من به مردها ایجاد شده
	ایجاد حس عدم درک مشترک در روابط خانوادگی و دوستانه به علت تفاوت در سطح آگاهی	دوستامون می‌گن ولمون کن، داری دوباره حرف از روان‌شناسی می‌زنی / بچه هام می‌گن: دوباره روان‌شناسی رو شروع نکن
	ایجاد سطح انتظارات غیرمنطقی از دانشجویان رشته مشاوره	تو که مشاوره‌ی چرا؟!

یافته‌های این مطالعه نشان داد که دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌ی مشاوره نگران تجربیاتی هستند که از نظر آنها می‌توان این تجربیات را در دسته‌ی تأثیرات منفی و ناکارآمد دسته‌بندی کرد. در ادامه تجربیات منفی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر نگرش شرکت‌کنندگان پیرامون امر ازدواج تأثیر گذاشته، آورده شده است.

۱- تجربیات مربوط به پدیده‌ی ازدواج و انتخاب همسر

۱-۱- کم شدن شور و هیجان احساسی در رابطه با شریک زندگی

یکی از تأثیراتی که شرکت‌کنندگان به آن اشاره کردند این موضوع بود که به دلیل برخورد با زوج‌های متعددی که مشکلات فراوانی در رابطه‌ی خود تجربه می‌کردند و همچنین با علم به اینکه یک فرد تا چه حد می‌تواند بر زندگی و سلامت روان فرد دیگر تأثیرگذار باشد، تا حدی از شور و هیجان سابق آن‌ها نسبت به زندگی مشترک کاسته

شده است. چراکه همواره در تلاش‌اند تا با نگاهی علمی و عقلانی، فرد مقابل خود را بررسی و با او رفتار کنند. "تأثیر بدی که داشت، فکرمی‌کنم بعد از تحصیلاتم در این رشته دیگه اون شور و هیجان رو در رابطه‌ی خودم احساس نمی‌کردم... این قدر مشکلات و مسائل رو می‌بینیم با خودمون می‌گیم: خوب چه اشکالی دار آدم میتونه ازدواج هم نکن یا خیلی دیر ازدواج کنه". و یا "اینکه همیشه در حال ارزیابی هستی اصلاً بهت اجازه اینکه راحت وارد یک رابطه بشی یا ازش خارج بشی رو نمی‌ده. این بدی دانستن زیاد، لذت رو ازت می‌گیره".

۱-۲- بالا رفتن میزان حساسیت و وسواس فرد در روابط

تقریباً همه شرکت‌کنندگان از رشته‌ی مشاوره، مخصوصاً رشته‌ی مشاوره خانواده با عنوان "شمشیر دولبه" یاد کرده‌اند. چاقویی در دست جراحی که اگر خوب از آن استفاده کنند، می‌تواند جان یک انسان را نجات دهد و اگر بجا و درست از آن استفاده نکند می‌تواند جان فردی را به خطر بی‌اندازد. به‌طور مثال: "من شمشیر دولبه رو مطرح کنم، اگر خوب و بجا استفاده کنن، آگاهانه تصمیم می‌گیرن، آگاهانه ازدواج می‌کند و در طول مسیر زندگی‌شون آگاهانه ازش استفاده کنند، اما اگر ناآگاهانه باشن، شاید اصلاً وسواس بگیرن و همه رو رد کنند.. و حتی بعد ازدواج هم می‌خواد رجوع کنه به چیزهایی که خونده و باز جسارت کند میزنه به کل زندگی‌اش". و یا "آن قدر که نمونه منفی دیدیم و آن قدر می‌خوایم کمال‌گرا باشیم، وسواس از اینجا میاد، مثلاً تو درس مشاوره پیش از ازدواج که داریم، یه سری معیار، یا مثلاً آسیب‌شناسی ازدواج داریم که مثلاً این نشانه رو اگر تو ببینی، مثلاً علامت خطر! مردم عادی - می‌کنن: طرف یه جور خوب، ولی تو این آگاهی رو داری که این نشانه‌ی مثلاً فلان اختلال".

۲- تأثیرات منفی در روابط

۱-۲- تجربه‌ی حس عدم درک مشترک در روابط خانوادگی و دوستانه به علت تفاوت در

سطح آگاهی

تجربه‌ی دیگری که به گفته‌ی مصاحبه‌شوندگان، اکثر دانشجویان رشته‌ی مشاوره با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، مشکلاتی است که از اختلاف سطح آگاهی آن‌ها با سایر اطرافیان ناشی می‌شود. این نکته، هم در گفته‌های دانشجویان مجرد دیده می‌شد و هم در صحبت‌های دانشجویان متأهل. "اصولاً یک اتفاقی که برای بچه‌های مشاوره می‌وفته این که دوستانشون می‌گن: ولُمون کن داری دوباره حرف از روان‌شناسی می‌زنی، همه فراری از اینکه اونا، درسشون رو بیارن تو روابط دوستانشون... " و یا این پاسخ که "من متوجه شدم که یکی از اثرات رشته مشاوره این است که یکسری تغییرات و آگاهی‌هایی را پیدا می‌کنم که همسرم این آگاهی‌ها را ندارد و همان انسان قبلی است و من تغییر کرده‌ام."

۲-۲- انتظارات غیرمنطقی از دانشجویان رشته مشاوره

یکی دیگر از مواردی که دانشجویان و مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده بودند، به وجود آمدن انتظارات غیرمنطقی از فارغ‌التحصیلان رشته‌ی مشاوره است. "همیشه به یه مشاور می‌گن، تو که مشاوره‌ی، دیگه چرا؟! اینم خیلی خوب که تو اون سیلابس^۱ (فهرست عناوین دروس) درسی این رو هم اضافه کنن که به دانشجویان آموزش رو بدن که اگر کسی بهش گفت: تو که مشاوره‌ی، تو دیگه چرا؟ بدون چه جوابی باید بده؟! " و یا "ولی خوب یه مشکلی که همیشه باهاش داشتم این بوده که انتظارات دیگران خیلی بیشتر شده، یعنی شاید دو برابر شده... مثلاً خانواده‌ام، مامانم هم خیلی گیره، که مثلاً اگر استرس داشته باشم، میگن تو که مشاوره‌ی چرا؟"

1. Syllabus.

۲-۳- تغییر نگرش نسبت به مردها (از سمت شرکت کنندگان خانم)

تقریباً همه‌ی شرکت کنندگان زن به این نکته اشاره کرده‌اند که گذراندن دروس رشته‌ی مشاوره و جلسات کارورزی کم‌وبیش باعث ایجاد تغییر در نگرش آن‌ها و بروز سوءظن بیشتر نسبت به مردان شده بود. این موضوع قابل توجه بود که برخورد با موارد مختلف خانوادگی و شرکت در دادگاه‌های خانواده، توانسته بود دید مردان را نسبت به خانم‌ها با گرایش به مساوات و حمایت بیشتر تغییر دهد. اما این نکته در مورد نگرش نسبت به مردان صدق نمی‌کرد. به طوری که زنان دانشجو، با برخورد بیشتر با کیس‌های (موردهای) خانوادگی، مخصوصاً موارد ضرب و جرح از سمت مردان، خیانت، اعتیاد و غیره، دید منفی یا می‌توان گفت، بسیار محتاط‌تری نسبت به مردان پیدا کرده بودند. مثلاً در گفته‌ی این خانم دانشجو این مسئله پیدا بود که نسبت به سابق به مردان بی‌اعتمادتر شده بود. "این باعث شد دیدگاه من نسبت به ازدواج و مقوله‌ی مردها، هم با توجه به شناختی که از رابطه‌ی دوستانم، و چیزهایی که در مورد ازدواج برام نقل کردن و هم از طریق کتاب‌های خیلی بیشتری که خوندم، شناختم از مردها هم خیلی کامل‌تر شد. در واقع اونقدرها، هر شخصی ساده نیست که تو، مثلاً با دو سه تا برخورد بتونی بشناسی و ترتیب ازدواج رو بدی، مردها خیلی میتونن نقش بازی کنند" و یا "به این نکته رسیدم که خیلی از افراد هستند که در زندگی خود اختلافاتی دارند، علی‌رغم این که شاخص‌های ازدواج را رعایت کرده‌اند مثل مسائل فرهنگی، تشابه سواد و تحصیلات و... کیسی (موردی) بوده که حتی مقوله عشق را هم داشتند اما خیانت در این میان شکل گرفته است... مثلاً می‌بینم آقا به راحتی به خانم خیانت می‌کند و خانم و خانواده‌اش از آقا دفاع می‌کنند. چون خیانت را خیلی خوب پوشش داده است." با توجه به نتایج پژوهشی که توسط رضایی، بوستانی و حبیبیان در بررسی نقش اعتماد و صمیمیت در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان انجام شده است، سطح پایین اعتماد و یا عدم اعتماد،

رابطه‌ی معناداری با بی‌ثباتی ازدواج دارد (رضایی، بوستانی، حبیبیان، ۱۳۹۲). بنابراین پایین آمدن میزان اعتماد شرکت‌کنندگان خانم نسبت به مردان می‌تواند بر نگرش و تمایل آن‌ها نسبت به ازدواج تأثیرگذار باشد.

۳- بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که تجربه شرکت‌کنندگان از تحصیل در رشته‌ی مشاوره حاکی از این بود، کسب دانش تئوری و تجربیات عملی ناشی از دوره‌ی کارورزی و مفاهیم انتقال یافته توسط اساتید، از جنبه‌های مختلف، بر زندگی شخصی آن‌ها و همچنین دیدگاهشان نسبت به ازدواج و روابط زناشویی تأثیرگذار بوده است. پژوهشگران معتقد هستند که این پدیده با توجه به تئوری یادگیری تحول‌گرایی مازیرو قابل توضیح است (مازیرو، ۱۹۹۱). این نظریه نشان می‌دهد که فرایند یادگیری بزرگ‌سالان می‌تواند به خود تأملی و سازمان‌دهی مجدد شخصیت منجر شود و همین‌طور درس‌های آموخته شده می‌تواند به جنبه‌های مختلف زندگی دانشجو منتقل شود. بنا بر داده‌های حاصل از پاسخ شرکت‌کنندگان، به نظر می‌رسد این تئوری در مورد تحصیل در رشته‌ی مشاوره صادق است. با توجه به یافته‌های این پژوهش، تجربیاتی که دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌ی مشاوره از سرگذرانده‌اند به دو مقوله‌ی کلی، تجربیات مثبت و سازنده و تجربیات منفی تقسیم شدند. مضمون‌هایی اصلی برداشت شده از تجربیاتی که از نظر شرکت‌کنندگان مثبت تلقی شدند شامل: افزایش آگاهی، رشد آگاهی نسبت به توانمندی‌های شخصی، بهبود مهارت‌های ارتباطی بین فردی و تجربیات پیرامون امر ازدواج می‌شود. زیرمضمون‌های خودآگاهی، افزایش آگاهی نسبت به ویژگی‌های شخصیت دیگران، رشد اعتماد به نفس، احساس مفید بودن، روابط خانوادگی و اجتماعی، دستیابی به دیدگاه سیستمی در خانواده، افزایش همدلی، کنترل هیجانات، تغییر در نگرش به آشنایی قبل از ازدواج و تأکید بر مشاوره

پیش از ازدواج، نگرش متفاوت به ازدواج نسبت به گذشته، آگاه شدن به جایگاه مشاور و اهمیت مشاوره پیش از ازدواج، تغییر در کلیشه‌های جنسیتی (در شرکت کنندگان مرد) نیز در نهایت از مضمون‌های اصلی درک شده‌اند. از نظر شرکت کنندگان دروسی از قبیل روان‌شناسی رشد، نظریه‌های شخصیت و در مجموع دروس تئوری ارائه شده در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد کمک شایانی به شناخت هر چه بهتر آن‌ها از شخصیت خود و اطرافیان کرده بود. با توجه به پاسخ‌های شرکت کنندگان افزایش آگاهی نسبت به ویژگی‌های شخصی منجر به افزایش آگاهی آن‌ها نسبت به توانایی‌های فردی خویش و احساس مفید بودن و رشد اعتماد به نفس شده بود. طبعاً یکی از پیامدهای رشد آگاهی نسبت به ویژگی‌های شخصیتی خود، می‌تواند بیشتر شدن اعتماد به نفس و عزت نفس فرد باشد. در پژوهشی که توسط صاحب دل، زهرا کار و دلاور انجام شده است، اثر ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های ارتباطی و بسترهای فرهنگی در وابستگی عاطفی زوج‌ها بررسی شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد خصوصیات شخصیتی از طریق خصوصیات ارتباطی تأثیر معناداری بر وابستگی عاطفی دارند (صاحب‌دل، زهرا کار، دلاور، ۱۳۹۵). در این پژوهش به اهمیت شناخت و آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی خود و دیگران تأکید شده است. با توجه به این مسئله می‌توان نتیجه گرفت که بالا رفتن آگاهی شرکت کنندگان در پژوهش تا چه میزان در نگرش آن‌ها به ازدواج تغییر ایجاد کرده است. مضمون دیگری که در زمره‌ی تجربیات سودمند تحصیل در این رشته محسوب می‌شد، بهبود مهارت‌های ارتباطی بین فردی (خانواده، جامعه) بود. در واقع افزایش حس همدلی، توانایی بیشتر در کنترل عواطف و هیجانات و شکل‌گیری نگرش سیستمی به خانواده، این امکان را برای دانش‌آموختگان و دانشجویان رشته‌ی مشاوره فراهم کرده بود تا بتوانند روابط سالم و مفیدتری در خانواده و اجتماع داشته باشند. بنا بر داده‌های این پژوهش می‌توان به این نتیجه دست یافت که برای پرورش مهارت‌های ارتباطی نه تنها دروس نظری و عملی بلکه تجارب انتقال یافته از

طریق اساتید نیز بسیار می‌تواند تأثیرگذار باشد. مضمون اصلی تغییرات مربوط به نگرش نسبت به امر ازدواج شامل زیرمضمون‌های تغییر در نگرش به آشنایی قبل از ازدواج و تأکید بر مشاوره پیش از ازدواج و نگرش متفاوت به پدیده‌ی ازدواج نسبت به گذشته است. همان‌طور که از داده‌های پژوهش مشخص است، نگرش شرکت‌کنندگان به موضوع انتخاب همسر مناسب و ازدواج بعد از دوره‌ی تحصیل در رشته‌ی مشاوره بسیار متفاوت از قبل شده بود و اکثریت شرکت‌کنندگان به اهمیت آشنایی قبل از ازدواج تأکید می‌کردند. قبل از ازدواج قدرت تصمیم‌گیری و دخالت بسیار بالا است و می‌توان از تشکیل سیستم‌های مشکل‌زا جلوگیری کرد. اما پس از ازدواج، زمانی که دیگر ساختارها شکل گرفته است به ندرت می‌توان در آن‌ها تغییری ایجاد کرد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۹). پژوهشی که هدف از آن بررسی تأثیر برنامه‌ی آماده‌سازی پیش از ازدواج بر رضایت زناشویی زوج‌ها در دوران عقد بود نشان داد که این برنامه باعث افزایش رضایت زناشویی شده است (رضوی، جزایری، احمدی و همکاران، ۱۳۹۷). با توجه به داده‌های بالا و نتایج پژوهش حاضر می‌توان چنین برداشت کرد که تحصیل در رشته‌ی مشاوره و تأکید بر آموزش و مشاوره پیش از ازدواج در نگرش شرکت‌کنندگان به پدیده‌ی ازدواج و انتخاب صحیح همسر تأثیر مثبت بسزایی داشته است. همین‌طور مضمون‌های آگاه شدن به جایگاه واقعی مشاور و مشاوره و تغییر کلیشه‌های جنسیتی در مردان شرکت‌کننده نسبت به زنان از نتایج مثبت و حائز اهمیت به دست آمده در این پژوهش می‌باشد. تجربیات منفی با مضمون‌های اصلی تغییرات مربوط به امر ازدواج و انتخاب همسر و تأثیرات منفی در روابط، پژوهشگران را به زیرمضمون‌هایی که در ادامه می‌آید رساند: کم شدن شور و هیجان احساسی در رابطه با شریک زندگی، بالا بردن میزان حساسیت و وسواس فرد در روابط، تجربه‌ی حس عدم درک مشترک در روابط خانوادگی و دوستانه به علت تفاوت در سطح آگاهی، انتظارات غیرمنطقی از دانشجویان رشته مشاوره، تغییر نگرش نسبت به مردها (از سمت شرکت‌کنندگان خانم).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، یکی از نکاتی که این پژوهش را منحصر به فرد و درخور توجه کرده است، دستیابی به تأثیرات مثبت و سازنده‌ی رشته‌ی مشاوره بر دانش‌آموختگان این رشته است. با در نظر گرفتن این مطلب که بیشتر مطالعات انجام شده در این زمینه بر تأثیرات منفی احتمالی این رشته تمرکز داشته‌اند. در نتیجه می‌توان گفت تحصیل در رشته‌ی مشاوره، به‌طور کلی دانشجویان را نسبت به ازدواج و زندگی موفق در آینده امیدوارتر کرده بود. به گفته‌ی مصاحبه‌شوندگان، دانشجویان با کسب مهارت‌های لازم و آگاه‌تر شدن نسبت به ازدواج، البته با توجه به شخصیت هر فرد و میزان توانایی آن‌ها در استفاده‌ی بهینه از مهارت‌ها، می‌توانند به داشتن زندگی موفق‌تر امیدوار باشند. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به سن، میزان تعهد به مذهب، فرهنگ و مسائل اجتماعی که تأثیرات حاصل از آموخته‌های رشته‌ی مشاوره را تحت‌الشعاع قرار می‌داد، عنوان کرد. در نهایت ذکر این مطلب ضروری است که مصاحبه‌شوندگان از پیدا کردن موقعیتی که بتوانند در مورد تجربه‌ی تحصیل در این رشته صحبت کنند بسیار احساس رضایت و خرسندی می‌کردند.

منابع

- ابولمعالی، خ. (۱۳۹۱). پژوهش‌های کیفی از نظریه تا عمل. تهران: علم.
- بازرگان هرنیدی، ع. (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. چاپ پنجم، تهران: انتشارات دیدار.
- رضایی، ز؛ بوستانی پور، ع؛ حبیبیان، ف. (۱۳۹۲). بررسی نقش اعتماد و صمیمیت در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*، ۱۲ (۴۷): ۶۹-۸۲.
- رضوی، ح؛ جزایری، ز؛ احمدی، ا؛ اعتمادی، ع. (۱۳۹۷). تأثیر برنامه آماده‌سازی پیش از ازدواج بر اساس مدل اولسون بر رضایت زناشویی زوج‌ها در دوران عقد. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*، ۱۷ (۶۷): ۴-۱۹.
- شولتز، د. (۱۹۹۰). نظریه‌های شخصیت، ترجمه‌ی سید محمدی، یحیی (۱۳۷۷). انتشارات نما.
- صاحب‌دل، ح؛ زهراکار، ک؛ دلاور، ع. (۱۳۹۵). تحلیل مسیر اثر خصوصیات شخصیتی، ویژگی‌های ارتباطی و بسترهای فرهنگی در وابستگی عاطفی زوج‌ها. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*، ۱۵ (۵۷): ۴-۲۳.
- صادقی، م. (۱۳۸۹). آموزش پیش از ازدواج. اصفهان، سازمان بهزیستی، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری.

گلدنبرگ، ه؛ گلدنبرگ، ای. (۲۰۱۹). خانواده‌درمانی، ترجمه‌ی حسین شاهی پرواتی، حمیدرضا؛ نقش‌بندی، سیامک؛ ارجمند، الهام (۱۳۹۵). نشر روان.

- Alhanati, B.S. (2007). How Does Becoming and Being a Professional Counsellor Affect One's Personal Life: A Qualitative Exploration. University of Alberta.
- Bang, S. (2003). Touched, affected and shaken: Professional growth through supervision. Oslo: *Gyldendal akademisk*
- Colaizzi, P. F. (1996). The descriptive methods and the types of subject-matter of a phenomenologically based psychology exemplified by the phenomenon of learning (doctoral dissertation, ProQuest Information & Learning).
- Cordova, J.V., Warren, L. Z. (2005). Emotional skillfulness in marriage: intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 24. 218-235.
- Creswell, J. W. (1994). Research design: Qualitative and quantitative approaches. Thousand Oaks, CA: *Sage*.
- Deutsch, C. J. (1984). Self-reported sources of stress among psychotherapists *Professional Psychology: Research and Practice*, 15, 833-845.
- Gall, J. P., Gall, M. D., Borg, W. R. (2005). Applying educational research: A Practical Guide (5th ed.) Boston, MA: *Pearson Education Inc.*
- Guy, J. (1987). The private life of the psychotherapist. New York: *Wiley*.
- Hatcher, S. L. (2012). What Therapists Learn from Psychotherapy Clients: Effects on Personal and Professional Lives. *The Qualitative Report*, 17 (48), 1-21
- Hilsenroth, M. J., Ackerman, S. J., Blagys, M. D., Defife, J. A. (2006). Effects of training in short-term psychodynamic psychotherapy: Changes in graduate clinician technique. *Psychotherapy Research*, 16 (3): 293-305
- Jensen, P. (2007). The Narratives, which Connect. Doctorate of Systemic Psychotherapy awarded by the University of East London in conjunction with the Tavistock Clinic
- Kattenhorn, D. L. (1982). The effects of graduate school on the marriages of male students who have at least one child prior to entering a graduate school of professional psychology (Doctoral dissertation, *Rosemead School of Psychology*).
- Looney, J. G., Harding, R. K., Blotcky, M. J., & David, F. (1980). Psychiatrists' transition from training to career: Stress and mastery. *The American Journal of Psychiatry*, 137 (1), 32-36.
- Maurice, W. L., & Klonoff, H., & Miles, J., E., & Krell, R. (1975). Medical student change during a psychiatry clerkship: Evaluation of a program. *Journal of Medical Education*, 50, 181-189.
- McAuliffe, G. J. (2002). Student changes, program influences, and adult development in one program of counsellor training: An exploratory inductive inquiry. *Journal of Adult Development*, 9 (3), 205-216.
- Mezirow, J. (1991). Transformative Dimensions of Adult Learning. *San Francisco*.
- Miller, W. R., Mount, K. A. (2001). A small study of training in motivational interviewing: does one workshop change clinician and client behavior?

Behavioural and Cognitive Psychotherapy, 457-471.

- Rabu, M., Moltu, Ch., Binder, P., McLeod, J. (2015). How does practicing psychotherapy affect the personal life of the therapist? A qualitative inquiry of senior therapists' experiences. *Psychotherapy Research*, 6 (6) , 737-749.
- Tysko, E. H., Loras, L. (2017). How Do the Professional Lives of Family Therapists Affect their Private Relationships: A Qualitative Study, *Australian and New Zealand Journal of Family Therapy*, 38, 468-481.
- Yalom, I. D. (1989). *Love's Executioner and Other Tales of Psychotherapy*. New York: Basic Books
- Yalom, I. D. (2002). *The Gift of Therapy*. London: Piatkus.

